

وقتی زنها تصمیم می‌گیرند..

یکی از ناطقین، موضوع تعلق خود را بر مانع می‌گیرند.
دایر پس اقتصادی و اجتماعی انگلستان
کشید و گفت: «
انگلستان که بی وقت علی‌الاطلاق
بزرگترین دولت روی زمین بود، اکنون
بیک حکومت ذمیه سوی تزلیل یافته و
علت آن نقطه فقط عدم توجه رجال و
سیاستمداران و مردم مسائل و رژیمی
حفظ اصلی است.

صحیح روز بد باخانم «ادیت»
مشغول نظر دارد، ولی اذیقته نظر
پیش‌نی تکرده است، ولی اذیقته نظر
منی ییشت قابل توجیه کرده است.
خیلی عجیب است.
برای او لین باردرزندگی زناشویم
توانست از خود دار بز تمهیل
کنم. دیر و زمان تقاضا کرد که هر امش
بسیما بر روم امام مخالفت کرد و حاضر نشد
هر امش بر روم و چون خیلی اصرار
کرد و آخر سلوس بازی داد و در
باتشیمه که هر امش
واوچی یک کله حرف نزد واز اتفاق
خارج شد.

«ستر کلیتریو» نیز گفت:
تعادفاً نهانم چنین احساسی در
خود کرده ام اصل اینکه مجهزه ای
روی داده است از اسماها یعنی من در
نیبوری، هر این خود توجه نیستی، ترا
یا شنیده ام از این معمای خوب است
مقابل اول امر از نم مثل موی بوده ام همیشه
تعظیم کرده ام و لی داریم هفته یکنون
اطینیانی در خود بیکاره ام که واقعاً
جای تعجب است مثلاً امروز صبح او
اصرار داشت که لیاس تازه‌ای بیوشد
ولی من می‌انت کردم و اوه مخالفتی
بعد نیاورد.

نهنی بعده زدو گفت:

هر چشم، فکری می‌کنم!
عرض آنروز «ادیت» بدیدن یکی
ازده سناش بنام خاتم «هو گز» رفت
شهروار «کلینل رو برت هو گز» افسر
بازن شسته ازتش بود.

بس اسلام و علیک و تعارف باهم
بیتلن خانم «جونسون کلیتریو» که هر
دو باوی رفاقت داشتند گفتند.

وقیقه خانم بر گشت یکشنبه حرف
های عجیب و غریب زدو بعد اصل مطلب
رسید و گفت:

«ماخانه‌ای مطلعه «لیتل دبلی»
تضمیم کرده ام شهر اناندا و دادر
کلم که قدری بزرگ نیزند و هر دوی
الصیغه خود، بتوشند.

این نقه و تضمیم را برای تضمیم
نکنیده همچنان داده اند.

منطقه تقدم خواهید داشت
البته در مدت همه هفته تضمیم نهایی
کرنده خواهد شد. اما برای اینکه خدمتی

بپوش خود انجام داده باشیم، فعلاً تضمیم
گرفته ایم که این نظریه داده مورد

شادو «کلینل هو گز» و همچنین «ستر
جونسون کلیتریو» اجزاء کیم.

بعاناتا پایدید و نیامین در کدام
ترک کنید و دور بیندازید، شیرینی و
حلویات خود را واقعات یابید و روزی
نیمساعت حداقل داده بروید.

شیرنهم نیوی است در مقابل
اراده زنان عرض وجودی بخند.

اوامر او برای من واجب اطاعت بود
چهاره‌ای نداشت جزا یکنیه بادو رفیق
بخت بر گشته و بیجا به خود «هو گز» و
«کلینل رو» مطلب را در میان بگذارم

تصادفاً آنها بیدار شدند و نظریه
مشورت و «تایدل نظر» بهتر آن دیدیم
که تسلیم بلاقب و شرط‌آنها بشویم،
قرار معاوضه غایبه ای ندارد.

«هو گز» فکری بنتظرش رسید
و گفت:

«بله، تنها داده است که تسلیم
شویم و در اجرای نمونیات آنان بخوشم
من بشان اطمینان میدهم این «جنس

لطیف» طاقت فتوحه دارد و در که چند
دور این کاردار ادامه دهد و خلی هن
که، بتواند یکنده دادم بیارد.

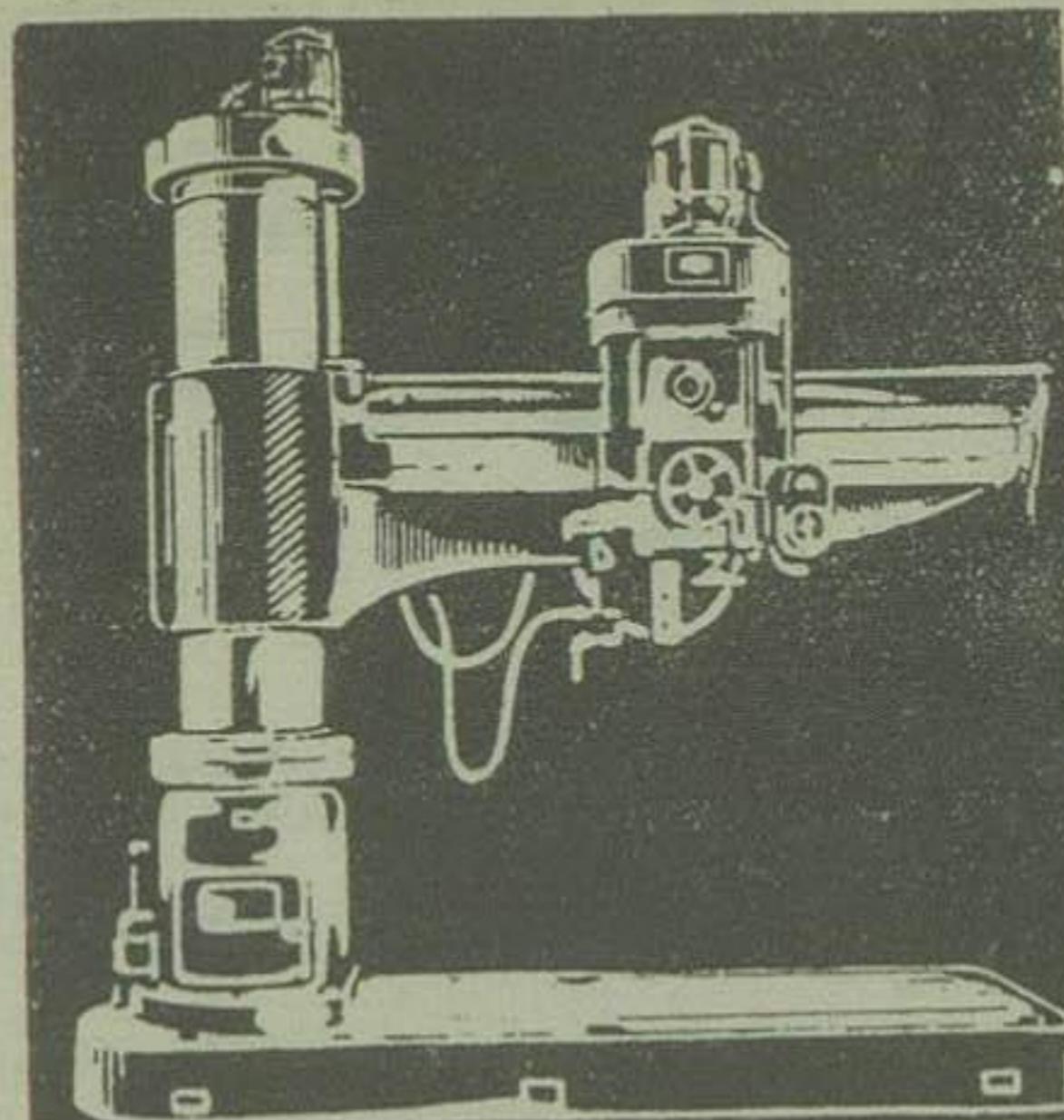
اصلاً و وال کار آنها برآست.
ما باید آنها اصرار که از امانت بابت
کنند، میان غذای را که مامی خود بیم
بخورند و دست شیرینی نزند.

مسلمان آنها نمی‌توانند شیرینی
نخورند و با این ترتیب دیگر نمی‌توانند

برق سه فاز ۵۰۵۰ آمپر
با یک باب مقاوم واقع در چهارراه کمرک سی متري و اکنار می‌شود
طالبین به تلفن ۲۸۷۳۱ مراجمه فرمایند
۱۶۴۳۹-

MARSHALL

۱۶۵۰۰



ماشین لایی افزار سازی
ماشین لایی چوب لایی
ساخت لسان

سوند و با صرف ارجیت پل
ماشین لایی تراش

ماشین راش خودکار کاپتن. ماشین نور دراش. ماشین س جست تعمیر کارهای را آن
ماشین تراشی عمودی یک سوئی و دو سوئی ماشینهای فریز ماشینهای افقی سوراخی
دانه رای ماشینهای صفحه تراش دستگاههای مسنه برای سایدن. ارائه فلزبری و اقسام افزارهای

کارهای سعارات در اسرع وقت انجام می‌شود.

مراکی احده کاتالوگ صور و قیمت بادرس زیر مکاتبه نمایند.

METALEXPORT

متال اسپورت ساین لسان

POLAND, WARSZAWA, MOKOTOWSKA 49, P. O. BOX 442
TELEGRAMS: METALEX - WARSZAWA

۱۶۵۸۶

قابل توجه

روغن زیتون درجه ۱ خواراکی مارک
حاجی غفار رشت سرای حاجی غفار
بی نیاز از تو صیف می‌باشد بایکد فعده امتحان
مشتری دائم ماخواهید بود. سفارشات کلی
ولايات قبول می‌شود. آدرس تلگرافی
رشت حاجی غفار

۱۶۲۷۲-۳۰۳



کافون لایی

۱۶۵۰۰



کمکت دار و ساز
بکنتر کلک دار و بز که اعلاه ده
سال ساخته سده پیشی داشته باشد
حقوق مکتبی استفاده می‌شود. مسکن
دانوی سینا - ناصر خسرو
۳۳ ۱۶۲۴۵

۵۵ فقر قریباً

از زمانیکه ایوردیغان بشیراز آمده بود هنوز وضع شهر آشنا و هر روز فوجی از مردم
دشتستان و کوه کلیویه وارد شدند و دارویه بامشکلات بسیارهای اطراف شهر ارامنه
مینمود مخصوصاً دستگاهی که از کوشتانهای دور می‌آمدند و دارویه اگر فشار زحمت بسیار نموده راه ها
و نامن و سومه را غیر آدم‌ساخت بود
بکنتر گفت بجهه امدادی است به بازار جواهر فروشی های تبریز سر کشی نکرده ایم -
بازارهای بینی قله و قیمه بزیران کون جواهر ای دارد که چشم رایه های مسازد پایه داره آن جا
هم سر زدن دید و در خالک قریباً نخواه مانند سوده کجا بوعده استانیول - مدتها می‌توان در بازار
خشوش یاش
اما قلی عیار که دوست خود را بکنتر بند کد استه بستاده بود گفت شنیدم که تبریز اغلب
بوده اکر اینطور باشد بعواداز کمرک خانه کار آسای است
بکنتر در حالیکه کم هم زدن دیگ بود گفت آنی تزدیک بود مازم در بجان عشا نلو
یقند - اما قاضی عسکر که می‌گویند شیمه و قریباً نیز برست است آش را خاموش نمود
بکنتر بیار که دست هاروی دانوی قفل کرد در چرخ مسی بود گفت - بس اقبال تو کوتاهی
کفت آی اقبال من و اقبال بجهه های شب غازان (شب غازان ساختنای های باستانی تبریز
بود که در مدت تو قم شنلو عیاران و قربانیان دزدیز زمین های آن یاعنه نلوها مبارزه می‌کردند
و شاه عباس اس اذایجاد امینت آن بنایاد را ویران کرد)
در این موقع امامقلی باغان که هیایی هند و مولد دارد و هفت شرط احوال - گفت - طبل دوم را دادند -
کوش بدهید - الساعه سکه های تاثوره خود را دارویه بکوچه ها سرداده می شوند - همه سکوت
کرده بصدای غرش طبل دوم که شادان - برجیان - برجیان - بود و تقطیل دکان و بازارهای اعلام
میکرد کوش دادند -
بکنتر دو بجزء نموده گفت - بازار و نفر فنکداری باش و قادر انداز (شانه زن) با پیشگاه از مشیر زدن دایز فرمان
سیس بالعنه کفت میدانی حزم که هیایی هند و مولد دارد و هفت شرط احوال - گفت - داشتی
شرط دوم - گفت از سه گاهی تاثوره خود را دارویه بکوچه ها سرداده می شوند - همه سکوت
رسیدن - مخصوصاً اکر بزرگ اراده و مختصی هم بپارهانه شود .
سیس بکنتر زانور اتا کرده سرداش کرده و آهسته طوری که اطراف این محل بزیر
میشندند گفت - فنکیه ای آسای داشیده ای
کسیکه بکنتر از نفر فنکداری باش و قادر انداز (شانه زن) با پیشگاه از مشیر زدن دایز فرمان
دارد و حفظ قسمتی از سیاه نارس در بقیه است .
برادری دارد یوسف نام که اکنون مقصر خان والی است و با رسیدن خان از سفر
بلعه استخیر تبعید خواهد شد - کسی است که باید امشب بستد ما نجات یابد و من قرعه ای
فال را بنام تو زده ام
ای ری باخزه - مردک در زمان ار که کنتر استاد است از اتفاقات - گردید فرمود
هم کم است زیرا با آمدن الوردیغان ای اس فرید بکر کاممشکل و جای از خواسته
اید تاچان در راه است کاری کرد و کریه آبرویی برای عیار خانه باقی نیماند -
دانستی - حزمه گفت بردیده منت کفید ایش بوسفات است - گفت - ای
درست حواس دار جمع کن - بیش از این هم اجازه نداری شراب بزیری
اگر در غای ادک بسته بود چه خواهی کرد :

ابن هدناهه روایت محکم
باستانی بین ایران و هند را

قویوت هیکلند

« نقط قای امک. چند معاون
وزارت امور خارجه هند که امروز از
دادیو دهی و دادیو نهان ابراد کردید »

موجب نهایت غرستنی برای
اینجانب است که امروز یعنی روزیکه
شاهد افزایش یک ملکه مددی برداشت
مرادات باستانی ما با این ایست. چند
که غصت شنام.

امروز هدنه بازار گانی و
دریانوری توسعه نمایندگان هردو

کنور در تهران بامضاه رسید.

این عهدنامه موجددستی چیدید

نیباشد بلکه روایت محکم داکه از

عهد بستانی بین هندو ایران وجود

داشته است توقيت میباشد. در دیان امروز

به از لحاظ اصل و پهله اذیت مرادات

سالم آمیز فرهنگی کتر دوکوری

وجود دارند که چون هندو ایران این

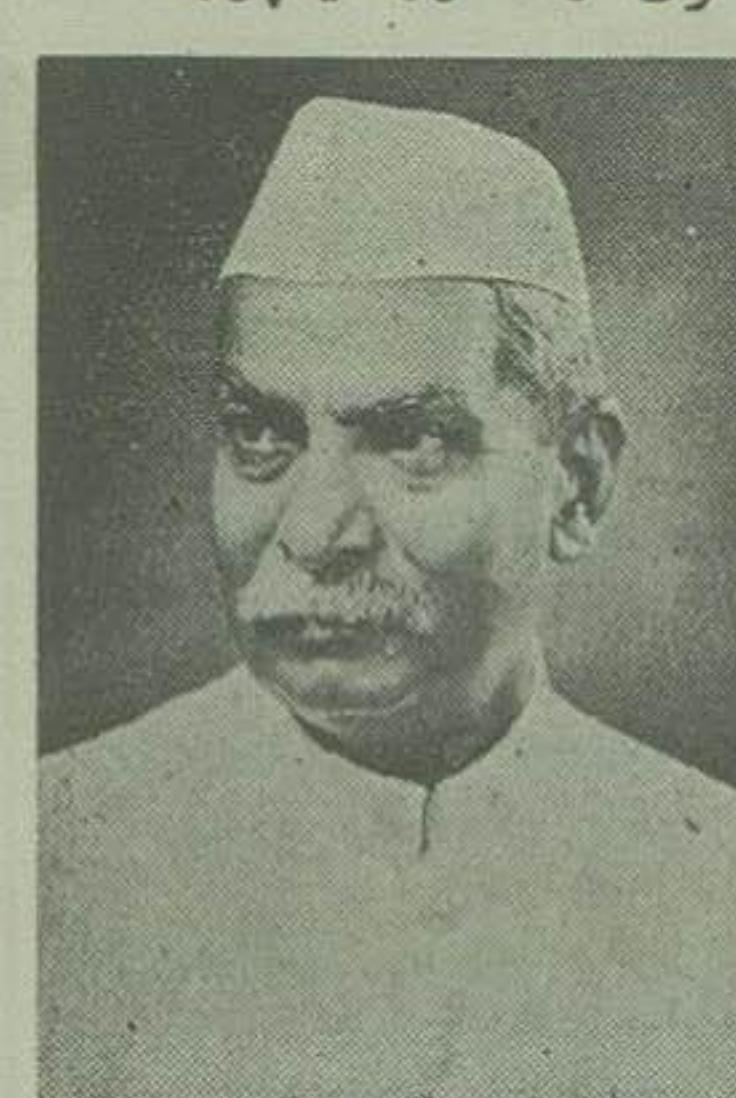
چنین بهم تزدیک باشد.

بقیه در صفحه یازدهم

متن کامل عهدنامه بازار گانی و دریانوری بین ایران و هند و نطق هائی که بدین

مناسبت امر و ز در ساعت معین در تهران و دهلی جدید ایران گردید

هتن نقطهای سفر ای کپار ایران و هند و معاون وزارت امور خارجه هند که امروز از



حضرت دکتر راجندر اپر شاد
رئیس چهارمی هند
بقیه در صفحه یازدهم

عهدنامه بازار گانی و دریانوری

بنی

دولت هند و دولت شاهنشاهی ایران

از آقای عبدالحسین نیکپور

فصل جدید در تاریخ

روایت بازار گانی ایران و هند

درین هنام که بر اثر مجاہدات

اویلایه دولت ایران و هند و سلطان

دادر و دهی و بازار گانی بین دو کشور

نمقد میکردا بینجای بمنوان یک بازار گان

ایرانی که علاقه مند به حکم و سطروابط

دستی بین ایران و هند و سلطان میباشد

لام میدان از اتفاق رفرازه دارد های

مز بو را خلما مرسن و خوشقوت نماید.

باوجه سوابق تاریخی و علاقه دوستی

بین دو کشور که طی قرون متعدد

شالوده آن ریخته شده و اینکه در حدود

هفت سال است که شبه قاره هند و سلطان

در اثرباری خود را تینی میباشد

تصنیع آمیز بازار اسلام خود نائل

کنند است میتوان گفت که در حقیقت

در اتفاق اراده های ایران و هند و کشور

تاخیریده امده چه ایران و هند و سلطان

دوباره داری هستند که از لحاظ فرهنگ

تا یار و زاده های داشته اند.

هزاران سال قبل پیش از آنکه

روایت مقابل این دو کشور بصورت

یمانها و قراردادهای کنونی در آید

بازار گانی دو کشور تفاوت جغرافی

خود داشتند.

ایران و هند نه تنها پایکند که

مبالغه کلایهای تجارتی برداشته باشند

بمنوان یک بودند که تجارت شرق و غرب

رایکندیک متمصل میباشند.

جاده هایی معرفت برآمد پیش

که از سواحل رودخانه کلک به کوه همراه

و همچنان کوه های قفقاز و بنغازی

شهر تاریخی بیرون ایمیز مرسید در تاریخ

جهان یک واسطه و روابطه میانی بشمار

میرفت طی هزاران سال هزاران کاروان

فرهنگ و علم آسیا بهار و پرند

ایران و ملکه های فرهنگی معرفت برآمد

